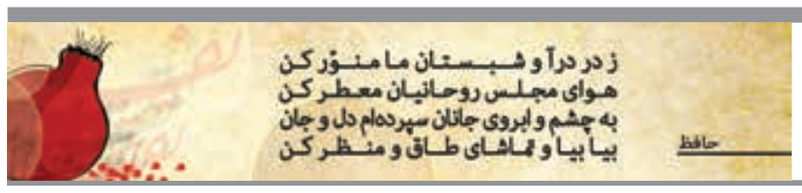

دنیا به روایت تصویر

گتی ایمیج- اسکی در برف شدید، مسکو

اسکای پیکسل- عبور خرس قطبی از روی یخ‌های شناور، شمال کانادا

شاتراستاک- گردهمایی دلقک‌ها! لندن

در محضر بزرگان

پناه بر خدا از راهی که برگشت ندارد

آیـتا... بهجت دربـاره توبه و بازگشت به سـوی خداوند فرموده اند:
«به خدا پناه می‌بریم از راهی که شرطش پا گذاشتن روی حق باشد. به خدا پناه می‌بریم که از راهی برویم که نتوانیم برگردیم. خدا کند اگر دانستیم که نمی‌توانیم برویم و باید برگردیم، برگردیم و گرنه خدا می‌داند که چقدر باید دروغ بگوییم و خطاهای خود را توجیه کنیم. خدا به ما توفیق تنبه دهد که در ابتلا و آزمایش فرار بد را خوب و خوب را بد نبینیم. ما خرابیم، خدا کند بفهمیم که خرابیم تا به فکر اصلاح و درمان بر آییم!»

برگرفته از «در محضر آیتا... بهجت»

یادش بخیر

داستانک

فرار از زندگی

روزی شاگردی به استاد خویش گفت: استاد می خواهم یکی از مهم ترین خصایص انسان ها را به من بیاموزی؟
استاد گفت: واقعا می خواهی آن را فراگیری؟
شاگرد گفت: بله، با کمال میل.
استاد گفت: پس آماده شو با هم به جایی برویم.
شاگرد قبول کرد. استاد شاگرد جوانش را به پارکی که در آن کودکان مشغول بازی بودند، برد.
استاد گفت: خوب به مکالمات بین کودکان گوش کن.
مکالمات بین کودکان به این صورت بود:
الان نوبت من است که فرار کنم و تو باید دنبال من بدوی.
نخیر الان نوبت توست که دنبالم بدوی.
اصلا چرا من هیچ وقت نباید فرار کنم؟ و حرف هایی از این قبیل...
استاد ادامه داد: همان طور که شنیدی تمام این کودکان طالب آن بودند که از دست دیگری فرار کنند. انسان نیز این گونه است. او هیچ گاه حاضر نیست با شرایط موجود روبه رو شود و دایم در تلاش است از حقایق و واقعیات زندگی خود فرار کند و هرگز کاری برای بهبود زندگی خود انجام نمی دهد. تو از من خواستی یکی از مهم ترین ویژگی های انسان را برای تو بگویم و من آن را در چند کلام خلاصه می کنم؛ «تلاش برای فرار از زندگی»!

داستانک

حکایت

پندهای لقمان به پسرش

روزی لقمان به پسرش گفت امروز به تو سه پند می دهم که کامروا شوی: «اول این که سعی کن در زندگی بهترین غذای جهان را بخوری! دوم این که در بهترین بستر و رختخواب جهان بخوابی! و سوم این که در بهترین کاخ ها و خانه های جهان زندگی کنی!»
پسر لقمان پرسید: «ای پدر ما یک خانواده بسیار فقیر هستیم چطور من می توانم این کارها را انجام دهم؟»
لقمان جواب داد: «اگر کمی دیرتر و کمتر غذا بخوری هر غذایی که می خوری طعم بهترین غذای جهان را می دهد. اگر بیشتر کار کنی و کمی دیرتر بخوابی در هر جا که خوابیده ای احساس می کنی بهترین خوابگاه جهان است و اگر با مردم دوستی کنی، در قلب آن ها جای می گیری و آن وقت بهترین خانه های جهان مال توست.»

عصر ایران

کاریکلماتور

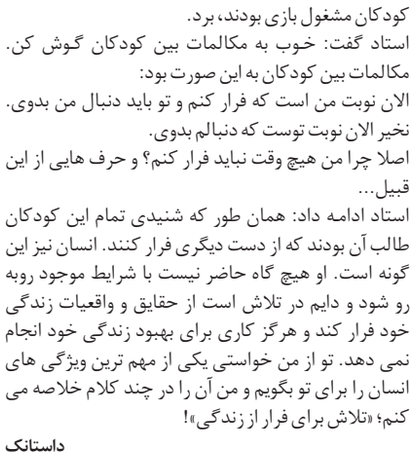

اندکی صبر

راز پنهان

باید تو را پنهان کنم در بین اشعارم
باید کسی جز تو نفهمد دوستت دارم
باید شبیه نقشه دزدان دریایی
اسم تو را با رمز در صندوق بگذارم

سهیلا علی‌نژاد

دی روزنامه

خط فقر هم خط فقرهای قدیم

بر اساس اعلام یک نماینده مجلس ۸۰ درصد از حقوق بگیران کمتر از دومیلیون و ۳۰۰ هزار تومان حقوق می گیرند که معاف از مالیات هستند. با توجه به اعلام کارشناسان که خط فقر دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است، پس نتیجه می گیریم دستمزد ۸۰ درصد حقوق بگیران زیر خط فقر است. انصافا دیگر خط فقر هم مسخره اش را درآورده. یک زمانی خط فقر ابهت داشت، ترسناک بود و مردم دست و پا می زدند بهش نزدیک نشوند، چه برسد که بخواهند ازش آویزان بشوند یا حتی به زیرش سقوط کنند. ولی الان باید خودمان را بکشیم و قد بلند کنیم تا بتوانیم کاری پیدا کنیم که دستمزد و حقوقی بگیریم و بتوانیم از آن پایین کمی به خط فقر نزدیک شویم!
البته این را هم می دانیم همان طور که ما مشغول تلاش برای آویزان شدن از خط فقر هستیم، مسئولان هم مشغول خوردن غصه های مختلف برای این وضعیت هستند. غصه برای مایی که آرزوی مان این است که دو و ۳۰۰ حقوق بگیریم و همان را هم نمی گیریم، غصه برای موز و سیب زمینی و دلاری که گران شده و ما نمی توانیم بخریم و حتی برای بنزین هم نمی توانیم کارت بکشیم. غصه برای مالیاتی که نمی توانند از حقوق زیر دو و ۳۰۰ ما بگیرند و دخل و خرج شان درست نمی شود. غصه برای پولی که سلبریتی ها برای زلزله زده ها جمع کردند و نمی دهند به سازمان های دولتی تا برای آن ها کانکس و بخاری بخرند و غصه های دیگر.
واقعا قلبم درد گرفت از این همه غصه هایی که مسئولان برای ما می خورند و ما هم نمی توانیم کاری برای شان انجام بدهیم و فقط همین طور با خط فقر بارفیکس می رویم!

علیرضا کاردار

دانستنی های جالب

* بازیافت تنها یک بطری شیشه ای، مقدار انرژی مورد نیاز یک لامپ ۱۰۰ واتی به مدت چهار ساعت را تامین می کند.

* کوسه با شنیدن ضربان قلب طعمه خود آن را پیدا می کند.

* در هرم خئوپوس در مصر که ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد ساخته شده است، به اندازه‌ای سنگ به کار رفته که می‌توان با آن دیواری آجری به ارتفاع ۵۰ سانتی‌متر دور دنیا ساخت.

* یک ورق طلا را می‌توان آن قدر نازک کرد تا شفاف شود و نور را از خود عبور دهد!

* نهنگ قاتل نخستین بار توسط یک دریانورد اسپانیایی شناسایی شد. او نام قاتل نهنگ را به این جانور داد که به اشتباه در زبان‌های دیگر به شکل نهنگ قاتل جا افتاده‌است.

سوتی سرا

برگ جهنده!

پنج شنبه بود و با خانواده خاله ام رفته بودیم پارک. خاله ام که خیلی شوخ طبعه خواست دخترخاله ام رو اذیت کنه. چشم اش به یه برگ افتاد و به دختر خاله ام گفت: «وای... یه قورباغه پشتته!»
دخترخاله ام وحشت کرد و همه زدیم زیر خنده. داشتیم می خندیدیم و دختر خاله ام رو مسخره می کردیم که یه دفعه برگه تکون خورد و اومد سمت ما. وقتی نزدیک شد فهمیدیم برگ نبوده و قورباغه بوده. اصلا وسایل مون رو همون جا گذاشتیم و فرار کردیم. خود خاله ام داشت از ترس سکته می کرد!

ارسالی از مخاطب همشهری سلام: مهدی جهانی

سوتی های بامزه تون رو در تلگرام به شماره ۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵ بفرستید.

دور دنیا

تندترین بستنی دنیا

آدیتی سنترال- تندترین بستنی جهان از شدت تندی به خطرناک ترین بستنی دنیا معروف شده است! هر چند بستنی یک دسر شادی آور است ولی این یکی آن قدر خطرناک است که ممکن است شما را به بیمارستان بکشاند. «باندونی» نام این بستنی خطرناک است که در کافی شاپی در اسکاتلند تولید می شود. این بستنی ۵۰۰ برابر از تندترین سس با نام «تاباسکو» تندتر است! مردم سراسر انگلیس برای چشیدن خطرناک ترین بستنی دنیا به کافه مخترع این دسر وحشتناک هجوم آورده اند.

پیرترین کانگوروی درختی

آدنیوز- کانگوروی درختی به نام «پل» پیرترین نوع این گونه است که در باغ وحشی در آمریکا زندگی می کند. کانگوروهای درختی در معرض خطر انقراض هستند و تنها چند گونه از آن ها در مناطق محافظت شده نگهداری می شوند.
«پل» ژن عمر طولانی اش را از مادرش به ارث برده است که در سن ۲۷ سالگی در باغ وحش میامی مرد. پل حالا ۱۴ سالش است و صاحب یک رکورد استثنایی در کتاب رکوردهای گینس.

مسابقه این کیه؟

نرو، میگم نرو!

سلام. برای مسابقه این هفته سراغ یک چهره معروف رفتیم که این روزها هم حتما می بینیدش. کسی که چندوقتیه به خاطر کارش خیلی مشهور شده و توی چشمه. حتما تا حالا شناختینش و دارین اسمش رو برامون پیامک می کنین، پس دیگه توضیح نمی دیم! عکس و کاریکاتوری هم که این جا می‌بینید، برنده مسابقه قبلی، آقای «بهزاد الهامی» هستن که دوباره بهشون تبریک می گیم و فایل باکیفیت کاریکاتورشون رو هم براشون خواهیم فرستاد.
یادآوری روش مسابقه: شما باید تشخیص بدین کاریکاتور به‌هم‌ریخته چاپ شده کیه و اسمش رو تا ساعت ۲۳ فردا پنج شنبه برای ما به شماره ۲۰۰۰۹۹۹ پیامک کنید. جواب رو شنبه همین‌جا می‌بینید. بین کسانی که جواب درست رو بفرستن، قرعه‌کشی می‌کنیم تا یک نفر برنده معلوم بشه و کاریکاتور برنده رو چهارشنبه هفته بعد با مسابقه بعدی، همین جا خواهید دید. خوش باشین همیشه.

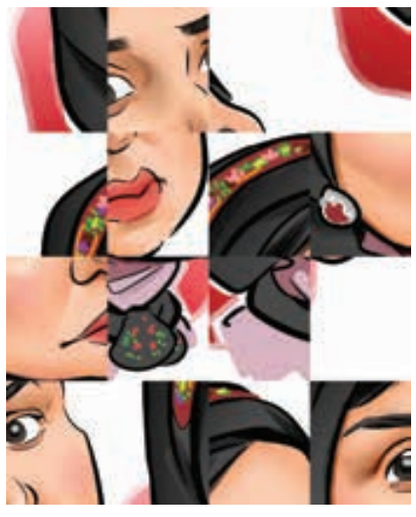

از اون لحاظ

می‌خواهم زنده بمانم

در خبرها از رشد خیره‌کننده امید به زندگی ایرانیان نوشته شده بود. احتمالا در نگاه اول شما هم خیره بمانید سمت دوربین و با خودتان فکر کنید امید به زندگی مگر آن نبود که طول عمر بیشتری داشتی و زندگی را دوست داشتی و این ها؟! بعد هم پیش خودتان بگویید حتما اشتباهی پیش آمده و منظور رشد خیره‌کننده تصادفات بوده یا بیابان ها یا در بهترین حالت جمعیت. اما بنده می‌خواهم با ذکر چند دلیل بر خبر صحه بگذارم.
یک: فردی که مرده یا به علت تصادف مرده یا آلودگی هوا و آب یا همسایه به خاطر گرسنگی وی را خورده است. خب تمام این موارد باعث رفتن داستان به سمت پرونده‌بازی و مراحل اداری می‌شود. بنده به‌عنوان میت اصلا علاقه‌ای ندارم در پله‌های یک اداره تجزیه شوم. پس ترجیح می‌دهم نمیرم.
دو: این گونه نیست که مثلا بنده بگویم آخیش مُردم راحت شدم. هزینه کفن و دفن و عوارض خروج از دنیا و مراسم عزا بسیار کمرشکن است. به علاوه گور برای امثال من قابل خرید نیست. پول رهن و اجاره‌اش را هم با این اوضاع بیکاری ندارم. یعنی در زندگی بیکار بودم، بعد از مرگ که دیگر تکلیف روشن است. پس ترجیح می‌دهم نمیرم.
سه: بعد از مردنم این گونه نیست که راحت بروم مرحله دیگر تا بعدها تکلیف این طرفی یا آن طرفی بودنم مشخص شود. بنده به عنوان یک ایرانی حتما باید چندوقتی در کمپ بمانم تا اقامت ام در آن جا درست شود. پس ترجیح می‌دهم نمیرم.
چهار: ممکن است به عنوان یک ایرانی کاملا درگیر این بشوم که برای رفتن به آن دنیا، حالا چی بپوشم؟! و از آن جا که درگیری طاقت فرسایی است، پس ترجیح می‌دهم نمیرم.
پنج: در آن دنیا انسان ها بر اساس این که در زندگی فردی و اجتماعی خود چقدر مفید، مسئولیت‌پذیر، شجاع و مصمم بوده اند دسته‌بندی می‌شوند بنابراین بنا به توصیه دوستان و عزیزان سفر کرده و اسیران خاک، ترجیح می‌دهم نمیرم.
شش: در آن دنیا همه چیز شفاف و روشن است؛ دروغ ندارند، دزدی نیست، غیبت و ریا و ربا امکان پذیر نیست و به طور کل به امثال من اصلا خوش نمی گذرد. پس... ترجیح می‌دهم نمیرم.

محمدامین فرشادمهر

فتونکته

ما و شما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

* آق کمال؛ از نظر جناب عالی علم بهتر است یا ثروت؟!

دبیر انشا آق کمال: علم بهتر است همراه با ثروت فراوان! سوال بعدی لطفا!

* آق کمال برای چی دیگه چیزی نمی نویسی؟

آق کمال: ماشالاه آن قدر دست زیاد شده تو ای صفحه که موباید به زور خودمو جا کنم!

* من هم موافقم که شما با تغییر مسابقه «چی شده» به «چی میگه» فقط قصد پیچاندن را داشتید. نمی تونستین یک خط توضیح بدین که قضیه جایزه به دلایلی منتفی شد؟

ما و شما: قضیه جایزه منتفی نشده و طبق روال اداری در حال پیگیری است، فقط برای اتلاف وقت و کمبود جا تمام مراحل اش را این جا نمی نویسیم!

* تنهایی؛ پوست آدم رو کلفت می کنه. اما دل آدم رو نازک...

مسعود مجنونپور

* مرضیه عزیزم، من برایت هدیه ای نخریده ام. آن چه خریدنی است بی شک لایق تو نیست. نمی دانم با کدام جمله «دوستت دارم» را برایت انشا کنم. تولدت مبارک.

زهره